



### مدرسه مجازی هلال

اصل و شرح  
هلال احمر بعد از خدمات داوطلبانه امداد سانی در روزهای جنگ تحمیلی سوم حالا برای اینکه این خدمات

داوطلبانه را در مسیر آموزش بچه‌های این سرزمین به کار بگیرد، اقدام به راه‌اندازی مدرسه مجازی هلال کرده است؛ مدرسه‌ای که مملانش همان آموزگاران داوطلب ثبت‌نام کرده در بویش ایران ما هستند و قرار

است در این مدرسه با برگزاری کلاس‌های آموزشی برای دانش‌آموزان به جبران کم‌وکاستی‌های آموزش مجازی مدارس بیایند. این آموزش‌ها برای دانش‌آموزان مقطع هشتم تا دوازدهم است.

# ۴ هزار وکالتنامه برای شکایت از دشمن

وکلا دادگستری به نمایندگی از شهروندان ایرانی از آمریکا و رژیم صهیونیستی شکایت می‌کنند

**محمد سرایی | روزنامه‌نگار** | عزمشان را جزم کرده‌اند برای شکایت رسمی به مراجع جهانی آن هم از دست متجاوزانی که گمان می‌کردند با تعرض به خاک ایران می‌توانند اسمشان را در تاریخ ماندگار کنند. البته که تاریخ هیچ‌وقت نام این متجاوزان چنانیکار را فراموش نمی‌کند نه به خاطر جسارت‌ها و آرزوهای محال‌شان بلکه به خاطر شکست در برابر مردم ایران زمین؛ مردمی که از ابتدای شروع جنگ تحمیلی سوم، فارغ از هر ترس و اضطرابی زیربمباران‌های وحشیانه دشمن در خیابان‌های ایران ماندند و فریاد مقاومت سر دادند. مردمی که امروز عزمشان را جزم کرده‌اند برای شکایت از کشورهای متجاوز به ایران نزد مجامع بین‌المللی. برای این کار هم این روزها به میعادگاه‌هایی که وکلاد در آن مستقر هستند می‌روند و برای ارائه این شکایت وکالت می‌دهند تا کار بی‌نقص و کاملاً قانونی انجام شود.

جامعه  
امروز



### آمارهای شکایت از دشمن

بیش از ۴۰۰۰ وکالتنامه

۲۰۰ وکیل

۲۹ کانون وکلای دادگستری

بفرمایید مشاوره‌های رایگان متفرقه

بفرمایید مشاوره‌های رایگان متفرقه

بفرمایید مشاوره‌های رایگان متفرقه

بفرمایید مشاوره‌های رایگان متفرقه

بفرمایید مشاوره‌های رایگان متفرقه

بفرمایید مشاوره‌های رایگان متفرقه

بفرمایید مشاوره‌های رایگان متفرقه

بفرمایید مشاوره‌های رایگان متفرقه

بفرمایید مشاوره‌های رایگان متفرقه

بفرمایید مشاوره‌های رایگان متفرقه

بفرمایید مشاوره‌های رایگان متفرقه

بفرمایید مشاوره‌های رایگان متفرقه

بفرمایید مشاوره‌های رایگان متفرقه

بفرمایید مشاوره‌های رایگان متفرقه

بفرمایید مشاوره‌های رایگان متفرقه

بفرمایید مشاوره‌های رایگان متفرقه

بفرمایید مشاوره‌های رایگان متفرقه

بفرمایید مشاوره‌های رایگان متفرقه

بفرمایید مشاوره‌های رایگان متفرقه

### پیگیری جنایت جنگی

قسمتی از خدمات موبک‌های وکلا، مشاوره قضایی است. مسئول هماهنگ‌کننده واحدهای خدمات معاضدتی کانون وکلا به همشهری می‌گوید: «برخی از شهروندان سؤال می‌کردند که پیگیری حقوقی هنگام وقوع اتفاقی مانند جنگ چه جایگاهی دارد. پاسخ این است که رهبر شهید در جنگ ۱۲ روزه تأکید کردند باید جنایات دشمن مورد پیگرد قرار گیرد. رهبر سوم انقلاب هم در پیام خود بیان کردند که باید خسارات وارد شده به ایران را از دشمنان بگیریم. عمل به فرمان مقام معظم رهبری با دریافت وکالت و پیگیری حقوقی در مراکز بین‌المللی ممکن می‌شود و برای این کار باید از شهروندان ایرانی وکالت داشته باشیم.» سید میثم حکیمزاده که خود در مرکز میدان نبوت حضور دارد، تأکید می‌کند: «برای ثبت وکالتنامه یک کارت شناسایی معتبر با شماره ملی کافی است.» او در ادامه می‌گوید: «طرح شکایت از حمله دشمن جنبه‌های گوناگونی دارد که همه قابل پیگیری است. از کشته‌شدن شهروندان، تخریب ساختمان‌ها، ایجاد بحران اقتصادی و حتی آلوده‌شدن هوا و آسیب محیط‌زیستی در اثر آتش‌سوزی پالایشگاه تهران.»

### برای دادخواهی

از ساعت ۸ شب به بعد جمعیت در «خیابان» بیشتر می‌شود. صدای رجز او می‌گیرد و مردم از راه می‌رسند. بین موبک‌هایی که دور میدان‌های شهر پراکنده شده، یکی با بقیه متفاوت است. شهروندان می‌توانند در اینجا برای طرح شکایت در سازمان‌های بین‌المللی «وکالت» بدهند. البته که برای حضور در جمعیت سازمان‌آمده‌اند و پرچم سمرنگ ایران را به دست دارند و کالتنامه‌ای را امضا می‌کنند که اجازه طرح شکایت در مراجع قضایی داخلی، خارجی و بین‌المللی علیه شخصیت‌های حقیقی و حقوقی آمریکا و رژیم صهیونیستی را به وکیل می‌دهد. در ضمیمه پرچم و کالتنامه، جزئیات خسارت‌های مالی و جسمی ذکر شده است. یک برگ دیگر ضمیمه هم متن وکالتنامه به زبان انگلیسی است. به گفته علیرضا حسینی، مسئول روابط عمومی کانون وکلای دادگستری مرکز (تهران) این اقدام قبلاً در جنگ ۱۲ روزه هم انجام شده بود ولی اکنون با وسعت بیشتر و این بار نیز از نخستین روز جنگ تحمیلی سوم همراه با حضور مردم در خیابان‌ها شروع شده است. محمد ششامحمدی، رئیس کانون وکلای دادگستری مرکز با اشاره به اینکه کانون بین‌المللی IBA است، می‌گوید: «باید اول مشخص کنیم که مردم ایران در ایسن جنگ چه حقی دارند. براساس قوانین بین‌المللی اقدام علیه نظامیان و همچنین تخریب ساختمان‌های مسکونی، آموزشی و تاریخی و تخریب مصادق جنایت جنگی به شمار می‌آید. از طرفی رئیس‌جمهور آمریکا گفته که هدفش از جنگ، محو تمدن ایران است.»

### برچمداری در توفان

سه‌شنبه - ۸ اردیبهشت - وقتی تهران توفانی شد، طبق عادت همه حواسشان را جمع کردند تا مبادا سرعت ۹۰ کیلومتری توفان، بالای جان شود و شاخه‌های شکسته معلق در میان زمین و آسمان روی سرشان فرود بیاید.

### بر دست یک ایرانی افراشته بماند تا همین امروز، این پرچم

پایین‌نمانده و وقتی توفان با سرعت ۹۰ کیلومتر بر ساعت، درخت‌ها را از ریشه کند، این پرچم با دستانی که به دورش حلقه زده‌بودند، با برجا ماند.

### در میان تمام این حواس جمعی‌ها، چند نفر بودند که در

چهارراه ولیعصر (عج) تمام حواسشان را به پرچمی گره زدند که نباید با بین می‌آمد. از ۹ فروردین که یک قرار دلی ثبت شد تا پرچم ایران در تمام شبانه‌روز با تکیه

### سنگ صبور قطعه ۴۲

گفت و گو با طلبه جوانی که این روزها در قامت خبرنگار داغ‌باز ماندگان قطعه ۴۲ را روایت می‌کند

صدای بمب و موشک، آرامش را از تهران و مادرانش گرفته بود، همدم و سنگ صبور شهیدا و خانواده‌هایشان بود و حالا روایت‌های مستندی که مسعودی در کاتال و صفحه مجازی خود منتشر کرده، دفتر پر و پیمانی شده که در هر برگش زنج‌ها و غم‌های خانواده شهیدای این جنگ به تصویر کشیده شده است.

### یک روز بهاری در گلزار

حال و احوال پدر زهراسادات و مادر میثم هم دل او را سوزانده است: «زهراسادات خواهرزاده شهید زین‌الدین بود. وقتی می‌دیدم پدرش چقدر سعی می‌کند صبور باشد و به مادر زهراسادات قلب بدهد، دلم پاره پاره می‌شد. مادر میثم چنانگه‌دیان هم خیلی خوددار و مقاوم است و به سختی می‌توانی حال دلش را بفهمی، اما وقتی وسط مصاحبه چندبار بی‌تابی و سوسختن قلب مادرانه‌اش را دیدم، تازه فهمیدم این صبوری با او چه کرده.» اتفاقاتی که رضا در روز چهاردهم جنگ در قطعه ۴۲ شاهد بوده، پرغصه‌ترین خاطرات او از این روزهاست: «روز چهاردهم وقتی وارد قطعه شدم در حالی که باران صورت‌ها را خیس می‌کرد، تعدادی از خبرنگاران خارجی مشغول ضبط برنامه در آنجا بودند. آن روز صدای موشک‌باران از گوشه و کنار تهران به گوش می‌رسید و موج انفجارها، زمین زیر پایمان را می‌لرزاند، اما ناله‌های مادری که سر مزار پسر جوانش نشسته بود آنقدر همه را تحت تأثیر قرار داده بود که هیچ‌کس نه به انفجارها توجهی داشت و نه به ریزش باران. در آن لحظات موشک‌باران فقط او قربان صدقه‌قد و بالای پسرش می‌رفت و من و خبرنگارانی که از چهار گوشه دنیا به ایران آمده بودند، اشک می‌ریختمیم...»

### نقل مظلومیت خانواده شهید

رضا مسعودی پیش از جنگ هم در فعالیت‌های رسانه‌ای دستی بر آتش داشته است: «من طلبه حوزه علمیه قم هستم و پیش از جنگ در کنار مطالعات حوزوی گاهی کارهای رسانه‌ای هم انجام می‌دادم، اما از سال ۱۴۰۱ که با گروه رسانه‌ای بسیج بین‌الملل به تولید محتوای حرفه‌ای در زمینه تحولات سیاسی و اقتصادی آسیای میانه مشغول شدم، فعالیت در حوزه خبر و اطلاع‌رسانی برآیم جدی شد.»

### صحرای کربلا بود

دیگر بسیاری از خانواده‌های شهیدا به سرزدن‌ها و احوال‌رسی‌های هرروزه رضا عادت کرده‌اند و اگر چند روزی از او بی‌خبر بمانند سرافش را می‌گیرند. انگار وقتی ناگفته‌ها توی گلویشان گره می‌خورند و لبریز از حرف‌های مگو و بغض‌های فروخورده راهی بهشت‌زهر(اس) می‌شوند، او محرمی است که می‌تواند سفره دل‌های سوخته و داغدارشان را پیش او باز کنند. رضا مسعودی در این ۲ ماهی که راوی مظلومیت و سنگ صبور خانواده شهیدای جنگ تحمیلی سوم شده، لحظات فراموش‌نشده بسیاری داشته، اما هنوز صحرای کربلایی که روز اول مقابل خود دیده، نمی‌تواند از یاد برود: «روز هشتم جنگ بود که برای نخستین بار به قطعه ۴۲ رفتم. ساعت ۹:۱۵ صبح به پارکینگ بهشت‌زهر(اس) رسیدم. همین که از خودرو پیاده شدم، چشمم به خانواده‌ای افتاد که شهیدشان را تشییع می‌کردند. بهت‌زده و حیران به تماشا ایستادم و تصور می‌کردم امروز فقط این شهید به خاک سپرده می‌شود، اما تشییع پیکر شهید تا شب ادامه داشت؛ در پشت سر هم پیکر شهید به خاک سپرده می‌شد و من فقط به صدای نوحه‌خوان گوش می‌کردم که از بازماندگان داغدار شهیدا می‌گفت و داغ‌هایی که هیچ‌وقت سرد نمی‌شوند. داغ دختر بچه ۳ ساله، شهید نوجوان ۱۴ ساله، مردها و زن‌های جوان...» رضا در رفت‌وآمدش به قطعه ۴۲ کودکان شهید بسیاری را دیده، اما موقع روایت لحظه شهادت مهدیار و مهسا احساساتش بیشتر غلیان می‌کند: «مهدیار پارک ۴ ساله، مقابل چمنان پدر و مادرش شهید شد. موقع عبور آنها از حوالی ایست و بازرسی محله تهرانپارس، مهدیار با شنیدن صدای تیراندازی و انفجار سرش را میان پاهایش پنهان می‌کند تا از خطر درآمان بماند، اما بعد از عبورشان هر قدر مادر صدایش می‌زند مهدیار جواب نمی‌دهد... مهسا اکبری هم هشتم فروردین شهید شد، در روز تولدش؛ او آن روز ۱۵ ساله شده بود.»

### مهدم شهیدای غریب

رضا مسعودی در قطعه ۴۲، شهیدای غریب هم بسیار دیده و با سرکشی‌ها و احوال‌رسی‌های گاه و بی‌گاهش محرم خلوت‌های غریبانه آنها شده است: «هستند شهیدایی که هیچ‌وقت کسی را سر مزارشان نمی‌بینی. بعضی از آنها در روز خاکسپاریشان هم غریب و تنها بودند و خانواده و آشنایی نداشتند که آنها را بدرقه کند.» او از غمی می‌گوید که در دلش باقی مانده است: «در این روزها بیشترین چیزی که فکرم را به خود مشغول کرده، آثار تلخ جنگ بر بازماندگان شهیداست؛ کسانی که بخشی از وجودشان همراه عزیزانشان به خاک سپرده می‌شود و هیچ‌وقت این خلأ بر نمی‌شود.»

